

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مراد از کفر به «آیات الله» در آیه 23 از سوره عنکبوت و احتمالات موجود در آن

سه احتمال در «آیات الله» وجود دارد:

1). علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) می‌فرماید: مراد از «آیات الله» جمیع ادله‌ی داله بر خداوند متعال و آنچه مرتبط به خدا است از توحید، نبوت، معاد، آیات کونیه و معجزات نبویه از جمله قرآن کریم را شامل می‌شود. پس ایشان یک اطلاق را از این لفظ استفاده می‌کنند لذا بر اساس این بیان می‌فرمایند: جمله «ولقائه» ذکر خاص بعد از عام است.

2). مراد از «آیات الله» ادله‌ی که بر وجود خدا و وحدانیت و اوصاف خداوند تبارک و تعالی دلالت دارد، و از «آیات الله» مسئله‌ی نبوت، معاد، معجزات نبوی استفاده نمی‌شود که شیخ طوسی در تبیان فرمود: «آیات الله» یعنی «ادله الله»

3). مراد از «آیات الله» قرآن است و «آیات الله» عَلم برای قرآن کریم است، «والذین كفروا» به این آیاتی که ما فرستادیم و صاحب مجمع البیان فرمود: «ای جحدوا بالقرآن و بادلة الله» قرآن را هم اضافه کرد.

مراد از استعمال «آیات الله» در قرآن کریم

در قرآن کریم «آیات الله»، «آیات ربّه»، «آیاتنا»، «آیاته» و «آیاتی» آمده که باید فرق اینها در جای خودش روشن شود اما آنچه که وجود دارد این است که با مراجعه به قرآن و استعمال «آیات الله» در قرآن کریم، استفاده می‌شود که مراد از تعبیر «آیات الله»، «قرآن» است.

مثلاً در آیه شریفه «وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا»^[1]، «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ»^[2] که «نتلوها» قرینه‌ی خیلی روشنی بر مطلب است یا در آیات شریفه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»^[3]، «وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ»^[4]، «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ»^[5] که این اهل کتاب ادله‌ی داله‌ی بر خدا را قبول داشتند، نبوت حضرت عیسی را قبول داشتند، نبوت حضرت موسی را قبول داشتند، ولی قرآن را قبول نداشتند در اینجا خیلی روشن است که مراد از «آیات الله» آیات قرآن کریم است یا در آیات دیگر «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ»^[6]، «لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»^[7]، «وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ»^[8]، «مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ»^[9] تمام اینها، مرادش قرآن است.

موارد زیادی در قرآن کریم وجود دارد که «آیات الله» در خود «قرآن» استعمال شده که مراد آیات موجود در قرآن است، لذا بر

اساس این حساب، احتمال سوم که «آیات الله» یعنی «قرآن» باشد مورد پذیرش واقع می‌شود.

و طبق این احتمال برگزیده، ترجمه آیه شریفه «والذین كفروا بآيات الله» این می‌شود: آنهایی که این آیاتی که بر توی پیامبر نازل کردیم به عنوان قرآن را نپذیرفتند، خداوند تبارک و تعالی این قرآن را نازل کرده و همان خدا می‌فرماید: «والذین كفروا بهذه الآيات»، به این آیاتی که ما فرستادیم. «و لقاءه» یعنی «كفروا به لقاءه»، در نتیجه دو تا موضوع مستقل هم می‌شود و عطف خاص بر عام هم نمی‌شود، «والذین كفروا بالقرآن و كفروا بلقاءه». بلکه كفر به قرآن مستلزم كفر به نبوت می‌شود ولی آیه مدلول مطابقی‌اش این نیست و آن از لوازمش است، مدلول مطابقی آیه كفر به قرآن کریم است.

اصلاً کلمه «آیات الله» در فرهنگ قرآن، استعمال فراوانی در خود «قرآن» دارد یعنی در مجموعه‌ی آیات قرآن که در آیه شریفه «يا اهل الكتاب لم تكفرون بآيات الله» اهل کتاب خدا را قبول داشتند، نبوت عیسی و موسی را قبول داشتند، تورات و انجیل را هم قبول داشتند پس به کدام كفر ورزیدند؟ به این قرآن و گفتند اینها را ما قبول نداریم.

در اینجا نمی‌توان طبق احتمال اول و بر اساس معنای لغوی «آیه» پیش رفت و گفته شود: «آیه» یعنی «دلیل» و دلیل «مطلق الدلیل» است و سرّ اینکه چطور شده مرحوم علامه طباطبائی یا شیخ طوسی «آیات الله» را به معنای وسیع بیان کرده اند برای ما روشن نیست.

نگاه اجمالی به کلمات مفسرین در کلمه‌ای «آیات الله»

در بعضی از تفاسیر اهل سنت این چنین آمده:

(1). کشاف: «آیات الله»، «بدلائله علی وحدانیتة و کتبه و معجزاته و لقاءه و البعث».^[10]

(2). طبرانی که متوفای 360 است می‌گوید: «الذین یجدوا بآيات الله و القرآن» اگر این عبارت «و القرآن» عطف تفسیری گرفته شود، احتمال سوم خواهد بود یعنی «یجدوا بالقرآن»

(3). آلوسی در روح المعانی می‌گوید: «أی بدلائله التکوینیة و التنزیلیة الدالة علی ذاته و صفاته و أفعاله».^[11]

(4). ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم می‌گوید: «والذین كفروا بآيات الله و لقاءه ای جحدوها»^[12] باز نمی‌گوید این آیات الله چیست؟ «جحدوها و كفروا بالمعاد».

(5). مراغی می‌گوید: «أی و الذین كفروا بالدلائل التي نصبها سبحانه في الكون دالة على توحیده، و الدلائل التي أنزلها على رسله»^[13] باز هم اعم می‌گیرد همان معنای اول شامل می‌شود.

بعید نیست این معنای عام، عمدتاً از ناحیه‌ی تفاسیر اهل سنت وارد تفاسیر شیعه شده باشد.

نکته: یکی از ادله‌ی قرآنی بر مهدویت، آیه شریفه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»^[14] می‌باشد که اکثر تفاسیر مخصوصاً در ترجمه‌ها، «امر الله» را به معنای دستور خدا یعنی همان معنای لغوی گرفته اند. در حالی که در قرآن کریم «امر الله» مفهوم خاص خودش را دارد، به آن اموری که «مسلم الوقوع» از ناحیه‌ی خداوند تبارک و تعالی است گفته می‌شود مثل مسئله قیامت، مسئله ظهور حضرت حجت (عج) به اینها تعبیر به «امر الله» می‌شود.

در اینجا نباید «امر الله» را به دستور و فرمان الهی معنا کرد، زیرا امر الله فعل خداست، «أُتِيَ امر الله فلا تستعجلوه» آن فعل مسلم الوقوعی که اراده‌ی حتمیه‌ی خداوند تبارک و تعالی به او تعلق گرفته است پس به امور «مسلم الوقوع» تعبیر به امر الله می‌شود.

نظریه مختار در کلمه‌ای «آیات الله»

در مورد بحث نیز نباید سراغ معنای لغوی رفت و گفته شود: «آیات» جمع «آیه» است و «آیه» برای «دلیل» است، پس «والذین كفروا بآيات الله» یعنی «بدلائل الله». بلکه باید توجه شود به اینکه تعبیر «آیات الله» در قرآن کریم بیشتر در چه چیزی استعمال شده است؟ البته ما معتقدیم ملازمه‌ای ندارد که يك کلمه‌ای را خدا در قرآن در يك جایی در يك معنا استعمال کند، در جای دیگر در یک معنای دیگری استعمال کند، در جای سوم به معنای سومی استعمال کند.

ولی وقتی مراجعه می‌شود ملاحظه می‌گردد که کلمه‌ای «آیات الله» غالباً در قرآن استعمال شده، «ما یجادل فی آیات الله» که جدال در آیات خدا فقط در قرآن معنا دارد، در ادله دیگر که دال بر وحدانیت خدا است مجادله معنا ندارد.

مثل کلمه‌ی «اهل بیت»، که یکی از اشکالاتی که مرحوم والد ما (رضوان الله تعالی علیه) به مرحوم طباطبائی داشتند این بود که می‌فرمود: ایشان باز روی معنای لغوی «اهل بیت» رفته، در حالی که باید ببینیم کلمه‌ای «اهل البیت» در قرآن چه بار مفهومی دارد و معنایش چیست؟

پس مراد از کفر در آیه شریفه «والذین كفروا بآيات الله» انکار القرآن است که یکی از اسباب کفر شمرده می‌شود لذا اگر کسی بگوید من خدا را قبول دارم، پیامبر را هم قبول دارم ولی نعوذ بالله قرآن را قبول ندارم این خودش از اسباب کفر است و آثار کفر مترتب می‌گردد.

بنابراین «آیات الله» در قرآن بار مفهومی‌اش نفس «آیات قرآن» است «والذین كفروا بآيات الله» اگر نفس «قرآن» مراد باشد در این هنگام در قرآن توحید، نبوت، معاد و قصه‌های فراوانی وجود دارد که همه را شامل می‌شود ولی دیگر مطلوب مطابقی‌اش این نیست، مدلول مطابقی آیه، کفر به «قرآن» است، می‌گوئیم قرآن را قبول ندارند و لذا مشکل کفار صدر اسلام دو چیز بود، یکی اینکه قرآن را قبول نداشتند و یکی معاد را قبول نداشتند، آیه هم همین را می‌گوید «والذین كفروا بآيات الله و لقاءه».

در نتیجه اینکه مرحوم علامه طباطبائی می‌فرمایند: «آیات» جمع «آیه» است یعنی «دلیل»، دلیل هم عام است و اطلاق دارد و همه ادله را می‌گیرد، کلام صحیحی نیست زیرا در آیات زیادی کلمه‌ی «آیات الله» در خود «قرآن» استعمال شده است و از آنجا که در غالب موارد استعمال در این معنا شده پس در این مورد بحث نیز این چنین است.

نکته: در معنای مطابقی توجه به معنا و مدلول التزامی نمی‌شود، شارع هم به آن توجه ندارد و می‌فرماید: کسی که کفر به این قرآن نماید و قرآن را قبول نکند هر چند قرآن يك آیه‌ای داشته باشد که ربطی به توحید، نبوت، معاد و صفات خدا نداشته باشد مثلاً «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ»^[15] اگر کسی همین را به عنوان قرآن انکار کند کافر شمرده می‌شود، قرآن را اگر کسی کافر شد و انکار کرد.

البته نمی‌توان در قرآن بگوئیم قطعاً این چنین است بالأخره قرآن دارای احتمالات زیادی است، در میان این سه احتمال این احتمال که «آیات الله» مراد «قرآن» باشد اقرب است.

و در تفسیر طبرانی هم که آمده: «الذین یجحدوا بایات الله والقرآن» بنابر عطف تفسیری منحصر به قرآن می‌شود.

بنابراین عمده این است که این سه احتمال در این آیه شریفه داده می‌شود و نظر مختار این است که احتمال سوم اقرب است و بر اساس احتمال سوم، عطف خاص بر عام نمی‌شود درست است علامه طباطبائی فرمودند نکته‌اش این است که معاد خیلی اهمیت دارد ولی تا ممکن است یک راهی طی شود که عطف خاص بر عام نشود و این جهت هم در آن ملاحظه شود و طبق این احتمال سوم نیز، خداوند تبارک و تعالی روی مسئله‌ی کفر به معاد عنایت دارد، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «والذین کفروا بآیات الله و لقائه» یعنی «کفروا بالقرآن»، «ولقائه» یعنی معاد.

و مؤید بر احتمال سوم، جمله «اولئک یئسوا من رحمتی» است چون کسی که خدا را اصلاً قبول ندارد و چیزی به نام رحمت خدا را باور ندارد در این هنگام مأیوس شدن از رحمت خدا یعنی چه؟ معنا ندارد، کافر که خدا را قبول ندارد لذا یأس از رحمت خدا معنا ندارد. اما اگر «والذین کفروا بآیات الله» مراد منکرین قرآن باشد در این صورت منکرین قرآن کسانی بودند که خدا را قبول دارند، با این وجود خدا می‌فرماید اینها باید از رحمت من مأیوس باشند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ «وَ إِذَا طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ فَلَعْنُ أَجْلِهِنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِّتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». بقرة : 231.

[2] □ «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ». بقرة : 252.

[3] □ «مَنْ قَبِلَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ أُنْزِلَ الْفُرْقَانُ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ». آل عمران : 4.

[4] □ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ». آل عمران : 19.

[5] □ «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ». آل عمران : 70.

[6] □ «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». آل عمران : 101.

[7] □ «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ». آل عمران : 199.

[8] □ «وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ». الأنعام : 4.

[9] □ «مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ». غافر : 4.

[10] □ الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، ج3، 449.

[11] □ «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أَىٰ بَدَائِلُهُ التَّكْوِينِيَّةِ وَ التَّنْزِيلِيَّةِ الدَّالَّةِ عَلَىٰ ذَاتِهِ وَ صِفَاتِهِ وَ أَعْمَالِهِ، فَيَدْخُلُ فِيهَا النَّشْأَةُ الْأُولَى الدَّالَّةُ عَلَىٰ صَحَّةِ الْبَعْثِ وَ الْآيَاتِ النَّاطِقَةِ بِهِ دُخُولًا أَوَّلِيًّا، وَ تَخْصِيصُهَا بِدَلَائِلِ وَحْدَانِيَّتِهِ تَعَالَى لَا يَنَاسِبُ الْمَقَامَ». روح المعاني في تفسیر القرآن العظيم، ج10، 353.

[12] □ ج6 ، 245.

[13] □ (وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئْسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) أَىٰ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْأَدَلَّةِ الَّتِي نَصَبَهَا

سبحانه فى الكون دالة على توحيده، و الدلائل التى أنزلها على رسله مرشدة إلى ذلك، و جحدوا لقاءه و الورد إليه يوم تقوم الساعة، أولئك لا أمل لهم فى رحمته، لأنهم لم يخافوا عقابه، و لم يرجوا ثوابه، و لهم عذاب مؤلم موجه فى الدنيا و الآخرة». تفسیر المراغى ج20، 128.

[14] □ نحل : 1.

[15] «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ».

قصص : 20.